

نقش زرتشتیان در انقلاب مشروطه



در بررسی حوادث منتج به انقلاب مشروطه حضور و همراهی همه ایرانیان در حوادث مربوط به انقلاب قابل لمس و بررسی است. به عبارتی خواسته و ناخواسته انسان ایرانی از جهت یا برخلاف جهت انقلاب در حرکت بوده است. نقش ایرانیان زرتشتی و حضورشان در انقلاب مشروطه از موضوعاتی است که درباره‌اش کمتر سخن رفته است. دکتر فرهنگ مهر سال ۱۳۴۸ در یک سخنرانی در دانشگاه اصفهان این مقاله را به تفصیل مورد بررسی قرار داد که گزیده‌ای از آن به شرح زیر است:

■ **سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطه ایران**

وقتی از کوشش‌های گروه خاصی از ملتی بزرگ در راه وصول به یک هدف عالی مالی و اجتماعی صحبت می‌شود باید به تعداد نفوس آن گروه توجه داشت. تنها با توجه به این عدد است که می‌توان به اهمیت آن کوشش‌ها پی برد و در مجموعه کلی فعالیت‌های ملی آنها را به‌درستی ارزیابی کرد. در زمان انقلاب مشروطه نسبت جمعیت زرتشتیان ایران در مقایسه با جمعیت کل کشور از یک در هزار کمتر بود. با توجه به این مطلب سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطه تحت سه عنوان قابل بررسی است: ۱- کمک‌های مالی به آزادیخواهان و مجاهدان مشروطیت. ۲- شرکت عملی در مبارزات انقلاب مشروطیت و شهدای زرتشتی. ۳- محرک زرتشتیان در این مجاهدات.



۱- **کمک‌های مالی به آزادیخواهان و مجاهدین مشروطیت:** مبارزه با دستگاه استبداد پول و وسایل مادی لازم داشت. در آن هنگام چند نفر از تجار زرتشتی در اقتصاد ایران مقام و موقعیت ممتازی داشتند که در صدر آنها ارباب جمشید جمشیدیان تاجر خوشنام و جوانمرد ایرانی بود که مرتباً به آزادیخواهان کمک‌های مالی می‌کرد. یکی دیگر از تجار زرتشتی که در انقلاب مشروطیت از بذل مال و کمک به آزادیخواهان دریغ نداشت، ارباب خسرو شاهجهان و یا بهتر بگوییم جهانیان بود. ارباب خسرو شاهجهان یکی از موسسین انجمن زرتشتیان تهران و تجارتخانه جهانیان یکی از قدמین صنعت بانکداری در ایران بود. قرائن و امارات نشان می‌دهد که در آن از طرف پارسیان یعنی زرتشتیان هندوستان نیز کمک‌هایی به آزادیخواهان می‌شده است. به نظر می‌رسد که حتی پارسیان حاضر بوده‌اند برای خلاصی دولت ایران از خارجیان و برای آنکه مجبور نباشند هر دقیقه دست نیاز به طرف روسیه تزاری و یا انگلستان دراز نمایند، در تشکیل بانک ملی به مجلسیان و آزادیخواهان ایران کمک کنند.

۲- **کوشش‌های زرتشتیان و مبارزات آنها در انقلاب مشروطیت و شهدایی که در این راه داده‌اند:** به دلیل نفوذ و اعتبار تجارتخانه‌های جمشیدیان و جهانیان مخصوصاً بین عثمانیر و ایلات فارس و همچنین به دلیل مصوبیت از هرگونه دستبرد و سرقت راهزنان آریاز به دلیل شهرت و اعتبار آنها، این دو تجارتخانه اسلحه و فشنگ و مهماتی را که از خارج وارد ایران می‌شد در بندر بوشهر تحویل می‌گرفتند و جزء سایر مال‌التجاره‌های خود به تهران و سایر شهرها حمل می‌کردند و در اختیار مجاهدین قرار می‌دادند. مستبدین که بعد از مدتی به همکاری تجارتخانه‌های جمشیدیان و جهانیان و شادروان مهربان جمشید پارسی‌ای لوی حمل و نقل مهیات را در تهران به عهده داشت [با مجاهدان پی‌برند، تصمیم به قتل روانشاد پرویز شاهجهان در یزد گرفتند و او را به وضع فجیحی کشتند. این حادثه موجی از هیجان و خشم عمومی را علیه عمال استبداد برانگیخت. یکی دیگر از شهدای زرتشتیان شادروان فریدون خسرو اهرمستانی (معروف به گل خورشید) از موسسین انجمن زرتشتیان تهران و رئیس شعبه تجارتخانه جهانیان در تهران بود. وی همچنین واسطه توزیع اسلحه‌هایی بود که از روسیه توسط مجاهدان آذربایجانی وارد می‌شد و به هر کسی که توسط انجمن آذربایجان معرفی می‌شد یک قبضه فشنگ و یکصده فشنگ تحویل می‌داد. وی به دلیل افشای گرو گذاشتن جواهرات سلطنتی در بانک روس توسط محمدعلی میرزا برای استقراض از آن بانک توسط عمال حکومتی به طرز فجیحی کشته می‌شود. یکی دیگر از کسانی که در مبارزات مشروطیت ایران وارد بود، شادروان آریاب کیخسرو شاهرخ است. در سال ۱۲۹۹ خورشیدی که جواهرات سلطنتی در ایران خارج کردند اولین کسی که پرده از روی این راز در مجلس شورای ملی برداشت و علناً به این عمل اعتراض کرد شادروان آریاب کیخسرو بود. وی سرپرستی برگزاری جشن تاجگذاری احمدشاه، تشکیل مجلس موسسان برای نقوض سلطنت به دودمان پهلوی، تشکیل جشن تاجگذاری رضاشاه و بالاخره جشن هزارمین سالگرد پهلوی را به عهده داشت.

۳- **محرک زرتشتیان در مجاهدات انقلاب مشروطیت:** اولین محرک را باید در فرهنگ مدرنیستی و معتقدات مذهبی زرتشتیان جست‌وجو کرد. محرک دوم علاقه و عشق زرتشتیان به عظمت و بزرگی ایران، خانه آبا و اجدادی‌شان است. همین امر برانگیزاننده علاقه پارسیان به تحولات دوران انقلاب مشروطیت ایران و کمک به آزادیخواهان ایران بوده است. عامل سوم شرایط سخت و طاقت‌فرسای بود که برای زرتشتیان ایران در دوره قاجار وجود داشت. زرتشتیان امیدوار بودند که با از بین رفتن استبداد و استقرار مشروطیت بتوانند به حقوق فطری و انسانی خود دست یابند و بدین مصلحت بود که با مجاهدان مشروطیت هم‌صدا شده و با مستبدین و بیگانگان به مبارزه بفرستند.

تلخیص از حمید ملک‌زاده

گزارش سال ۱۳۳۷

۱۶ روز پس از آغاز سال، اسناد طلاق شاه و ثریا در آلمان تسلیم ثریا شد. شاه از بودجه دولت ماهیانه سی هزار تومان به ملکه سابق اختصاص داد. در ۲۲ فروردین ماه با آتش سوزی در چهار مخزن نفت پالایشگاه آبادان در حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت آتش گرفت و گروهی از کارکنان در آتش سوختند و خسارات‌های فراوانی به جا ماند. اعتصاب ۲۳ فروردین ماه رانندگان تاکسی و سواری نشان از ناراضیاتی رانندگان از بی توجهی دولت به وضعیت معاش آنان داشت. این اعتصاب با افزودن پنج ریال به نرخ کرایه‌ها پایان گرفت.

در اواخر فرودین ماه نیز کارخانه داروسازی تولیدارو که بزرگترین کارخانه داروسازی در خاورمیانه بود، آغاز به کار کرد.

در ۸ اردیبهشت ماه شرکت ملی نفت ایران با شرکت «پان امریکن پترولیوم» قراردادی برای تولید و فروش نفت ایران امضا کردند که ۷۵ درصد از منافع حاصله به ایران تعلق می‌گرفت.

۲۱ اردیبهشت ماه خسرو روزبه چهره نظامی و سرشناس حزب توده ایران به جوخه اعدام سپرده شد. او از افسران تحصیلکرده ارتش بود که مسئولیت شاخه نظامی حزب را نیز بر عهده داشت. فعالیت‌های هسته‌ای ایران با قرارداد نصب راکتور اتمی دانشگاه تهران در تاریخ ۲ خردادماه آغاز شد و در ۶ خردادماه اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

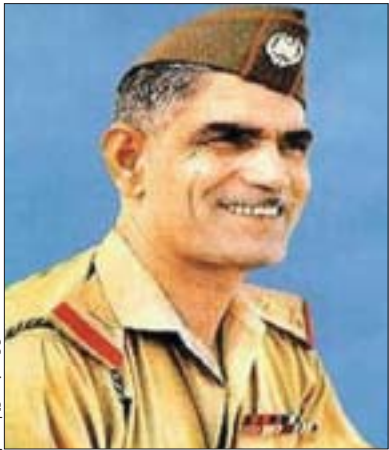
در تیرماه رادیو قاهره به تبلیغ از سیاست‌های جمال عبدالناصر اقدام به پخش خبرها و تحلیل‌هایی علیه شاه ایران نمود که این مسئله با عکس‌العمل تند ایران روبه‌رو شد. این درگیری سیاسی را می‌توان تبلور رقابت و کشمکش آمریکا و شوروی در خاورمیانه تعبیر کرد. مهم‌ترین خبر خارجی منطقه در روز ۲۳ تیرماه اتفاق افتاد. باامداد این روز در حالی که رهبران ایران، ترکیه و پاکستان و وزیران امور خارجه آمریکا و انگلیس در استانبول منتظر ملک فیصل پادشاه عراق و نوری‌السعید نخست‌وزیر آن کشور بودند، گروهی از افسران موسوم به افسران آزاد عراقی، به رهبری ژنرال عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف در عراق کودتا کردند و در همان روز ملک فیصل پادشاه عراق، نایب السلطنه، ولیعهد، نخست‌وزیر و عده زیادی از سران آن کشور را به قتل رساندند و رژیم سلطنتی عراق را منحل و رژیم جمهوری برقرار کردند.

این رویداد خشونت‌بار که نخستین روز آن با کشتاری دهشتناک همراه بود، واکنش‌های دامنه‌دار بین‌المللی را در پی داشت. در حالی که آمریکا روی پیمان بغداد – ستتوی بعدی– سرمایه‌گذاری ویژه‌ای کرده بود،



در نهضت مشروطه سواران ایل شاهسون بغدادی به فرماندهی علی اکبرخان منصور نظام حضور فعال داشتند و از قوای نظامی حامی مجلس بودند که با حذف آنها مخالفان مشروطه جسارت حمله به مجلس را پیدا کردند.

علی اکبرخان منصور نظام در هجده‌سالگی سرکردگی ایل شاهسون بغدادی را به عهده گرفته بود. در دوره مظفرالدین‌شاه سواران ایل را به خدمت قزاقی درآورد و به دستور شاه درجه میرپنجی (سرلشگری) دریافت کرد. هنگامی که غوغای مشروطه بالا گرفت تعدادی از سواران شاهسونی نیز به همراه دیگران در حرم حضرت عبدالعظیم پست نشستند و دیگر حاضر نبودند که در خدمت قزاقخانه باشند و از قزاقخانه خارج شدند و به پورت‌های خویش بازگشتند و با حمایت نکردن از حکومت به دفاع از مشروطه پرداختند. زمانی که محمدعلی‌شاه قدرت به دست می‌گیرد طی حکمی منصورنظام را بار دیگر به پایتخت فرامی‌خواند. مشروطه‌خواهان منصورنظام را به



کودتا در کشور همسایه

آشکارا ناخرسندی و خشم خود را از این کودتای نظر به چپ نشان داد! این کودتا بلافاصله مورد استقبال و پشتیبانی رژیم قاهره و شخص ناصر قرار گرفت. اتحاد جماهیر شوروی هم که نمی‌توانست خوشحالی خود را پنهان کند، فردای کودتا، حکومت جدید را به رسمیت شناخت. شاه ایران که در آن هنگام در استانبول به سر می‌برد، بازگشت خود را چند روزی به عقب انداخت. وی که به شدت ترسیده بود، می‌خواست پیش از بازگشت به کشور آثار و تبعات این کودتای چپ را در کشور و رژیم سلطنتی خود ارزیابی نماید. در آخرین روز تیرماه سرلشکر قرقی به سه سال زندان اخراج از ارتش محکوم شد. دادستان ارتش – آرموده– در بیانیه‌ای به همین مناسبت جرم وی را به مراتب خطرناک‌تر از توطئه سازمان نظامی حزب توده ارزیابی کرد و گفت هدف وی براندازی دولت و به دست گرفتن حکومت بود.

با بیرون رفتن رژیم عراق از پیمان دفاعی بغداد کشورهای عضو در حالی که غافلگیر شده بودند در لندن تشکیل جلسه دادند و در مورد ادامه کار این پیمان به بحث و بررسی پرداختند. مناقشات بین ایران و عراق تازه آغاز شده بود، هر چند که در ۱۸ مردادماه دولت عراق آمادگی خود را برای رفع اختلاف با ایران اعلام کرد، اما در نخستین روز شهریورماه گروهی از هواداران رژیم نوپای این کشور در مقابل سفارت ایران در بغداد تظاهرات خشونت‌باری برگزار کردند. متجاوزان با حمله به داخل سفارت ضمن بر جا گذاشتن خسارت، عکس‌های شاه را آتش زدند. در واکنشی متقابل و در واپسین روز تابستان عده‌ای از عشار عراق که اکثریت آنها را شیعیان تشکیل می‌دادند

□

نظامیان مشروطه خواه و قهوه فجری

فرهنگ جهانپخش

مجلس احضار می‌کنند و در آنجا او را به قرآن سوگند می‌دهند که حامی مشروطه باشد و به آن خیانت نکند. وی نیز قسم یاد می‌کند و تا آخرین روز به قسم خود وفادار می‌ماند و تا زمانی که در تهران بود با سربازان ایل خود از مجلس و نمایندگان حفاظت می‌کند. علی اکبرخان فتح السلطان که از سواران ایل شاهسون بود در این باره می‌گوید: «محمدعلی‌شاه به علت مخالفت با مجلس دستور می‌دهد به وسیله شترخانه و قاطرخانه، شهر شلوغ شود و ایجاد ترس و وحشت کنند. از طرف دیگر مجلس امنیت تهران را به منصورنظام واگذار می‌کند. سواران منصورنظام هم شب بین ده تا بیست نفر از ارادل و اوباش را دستگیر می‌کردند و تحویل مجلس می‌دادند، از جمله صنیع حضرت و مختارالسلطنه که از قدرتمندان طرفدار محمدعلی‌شاه بودند توسط منصورنظام دستگیر و به دوشان‌تپه برده می‌شوند و از آنجا آنها را به کلات نادری می‌برند و تحویل می‌دهند.»

□

آیت‌الله محلاتی: مشروطه از مطلقه برتر است

حول و حوش مشروطه بسیاری از آنها که به اندیشه مشروطه سرسپرده بودند بر این اعتقاد بودند که مشروطیت برای ایران زودهنگام است، از آن رو که

مردم معنا و مفهوم دقیق آن را نمی‌دانند. از جمله این افراد ناصرالملک و احمد کسروی بودند. در حالی که نویسنده تاریخ پیداری ایرانیان بر این اعتقاد است که رهبران مشروطه همچون طباطبایی و بهبهانی آن را می‌فهمیدند و «از نخست در اندیشه مشروطه و دارالشوری می‌بوده‌اند.» عصر مشروطه برای آنکه حکومت از آسمان به زمین بیاید و «قبله‌عالم» از جایگاه خود برگردد نیازمند یک تئوری نو از حاکمیت بود.

جالب آنکه کسانی اندیشه حاکمیت را به زمین کشاندند که خود دل در آسمان داشتند. آیت‌الله آقا شیخ محمد اسماعیل محلاتی روحانی صاحب فکر عصر مشروطیت پیشتر از علامه نائینی اثری با نام «اللثالی المربوطه فی وجوب المشروطه» به نگارش درآورد و در آن از مشروطیت دفاع کرد. او اثر خود را به فاضل به چاپ رساند. «فصل اول: در بیان فرق اجمالی مابین

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۵۴

شاهد تظاهرات گسترده‌ای در مخالفت با شاه ایران و سیاست خارجی آمریکا در منطقه بود. در همین رابطه سفیر عراق در قاهره به دولت ایران حمله کرد و ایران نیز به‌طور رسمی به اقدامات عراق نسبت به ایران اعتراض کرد.

دی‌ماه این سال را می‌توان ماه نکاپوی فرهنگی نامید. از مهمترین رویدادهای فرهنگی این ماه می‌توان به برگزاری جشن هزار و صدمین سالگرد رودکی، ورود پروفیسور هانری کرین دانشمند و خاورشناس فرانسوی به ایران، برگزاری کنگره ۲۵ قرن تاریخ ایران و راه اندازی دومین ایستگاه تلویزیونی تهران و همچنین گشایش دانشگاه اهواز اشاره کرد.

۱۵ دی‌ماه در ادامه تنش بین ایران و دولت کودتاگر عراق، درگیری‌های نظامی پراکنده‌ای بین مرزبانان ایرانی و شرطه‌های عراقی در مرز کشور روی داد. اما سیاست خارجی در هر دو کشور اجازه نداد تا دامنه درگیری‌ها به جنگی گسترده و تمام‌عیار تبدیل شود. به‌رغم آتش بس موقت خواهیم دید درگیری بین دو کشور سال‌ها به مثابه آتش زیر خاکستر باقی ماند.

در ۸ بهمن ماه، ایران که با توجه به بیرون رفتن عراق از پیمان بغداد نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کرد، به پیشنهاد کشورهای عضو، پذیرفت که مرکز اتمی پیمان، به تهران انتقال یابد. همچنین در ۱۲ بهمن ماه موافقتنامه همکاری بین دولتین ایران و آمریکا در مورد استفاده غیرنظامی از انرژی اتمی به‌تصویب مجلس شورای ملی رسید.

هرچه روابط ایران و آمریکا نزدیک‌تر و بیشتر می‌شد، نارضایتی شوروی هم آشکارتر می‌شد. خر‌شچف صدر هیات رئیس‌ه شوروی، با حمله شدید به ایران اعلام کرد این کشور به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل شده است. وی با صراحت اعلام نمود شاه ایران عروسک خیمه‌شب‌بازی آمریکا است!

ایران در واکنش به سخنان خر‌شوشچف به دولت شوروی اطلاع داد آن قسمت از پیمان ۱۹۲۱ که به نیروهای شوروی اجازه ورود به خاک ایران را می‌داد، از درجه اعتبار ساقط و کان‌لم‌پکن می‌داند. روزنامه دولتی پراودا چاپ مسکو، اقدام ایران در لغو مواد ۵ و ۶ عهدنامه ۱۹۲۱ را پیوهده دانست. با انعقاد پیمان دفاعی که یک‌سوی آن آمریکا و سوی دیگرش ایران، پاکستان و ترکیه بودند، رادیو مسکو و سایر رادیوهای کشورهای کمونیستی حملات تندی را به ایران آغاز و تهدید نمودند ایران نمی‌تواند و حق ندارد به پایگاهی علیه شوروی در منطقه تبدیل شود.

این سال در حالی پایان گرفت که شاه ایران به دلیل نزدیکی بیش از حد به سیاست خارجی آمریکا مورد حملات تند و گزنده شورهای بلوک شرق قرار داشت و وزیر خارجه وی در حال پاسخ‌گویی و جنگ سرد با آن کشورها بود.

□

فشار عین الدوله بی‌اعتنایی انگلیس

دوستانش در شیرمان برد و خودش هم سپیده‌دم به همراه همسرش از حرم حضرت عبدالعظیم شد و بعد از آن به زادگاهش همدان رفت. در همین اثنا مجلس به توپ بسته شد و دوران استبداد صغیر شروع شد. از تهران تلگرافی به منصورنظام شد و از او خواستند که به تهران بازگردد. منصورنظام با اینکه پس از این تلگراف می‌فهمد که دیگر کارش تمام است و آخر عمرش فرارسیده است، اما پس از چند روز به سمت تهران حرکت می‌کند و خود را به امیربهادر (وزیر جنگ) معرفی می‌کند. امیربهادر با روی خوش می‌گوید: خسته هستی‌د بروید و فردا صبح تشریف بیاورید. فردا که بازمی‌گردد امیربهادر پس از تعارفات معمول دستور می‌دهد که قهوه بپاورند و منصورنظام قهوه معروف فجری را سر می‌کشد. امیربهادر می‌گوید: به منزل بروید تا حکم و دستور باریاتن بگیریم. به گفته عبدالله خان و صمصام‌نظام، منصورنظام وقتی به خانه رسید حالت استفراغ و سرگیجه گرفت و تا آنها رفتند دکتر بپاورند جان به جان آفرین تسلیم کرد.

دستمرسی به آن مقدور نیست و بشر از داشتن آن محروم مانده است. نوع سوم سلطنت به گونه‌ای است که همه مختص پادشاه است» است و وجود «رعیت» در کشور مقدمه‌ای است برای حاکمیت وی: «به هر نحو که شهوات سلطنت و ادادات حواشی و اجزا اقتضا کند و نه آنکه فواید کلیه مملکت حق مطلق است، بلکه اموال شخصیه رعیت و نفوس و اعراض آنها نیز تعلق به او دارد.» محلاتی پس از آنکه نوع حاکمیت مشروطه را تشریح می‌کند و آن را «تحدید تصرف سلطنت» می‌داند و از سلطنت مطلقه استبدادیه نیز به «خودسری شهوات سلطنت و ادارات دولتی» یاد می‌کند، می‌نویسد: «پس برای هیچ‌دی شعوری جای شبهه و تردید» نمی‌ماند که مشروطه از مطلقه برتر است «مگر آنکه اغراض شخصیه و خیالات نفسانیه داشته باشد والا شخص با انصاف ولو کافر هرگز راضی نمی‌شود که دست و پای پالز بازم باشد.»

سال سوم ■ شماره ۸۱۸

بدون تلاش به دموکراسی نمی‌رسیم

دکتر مژگان بیانی

پرسیده بودید که صد سال از انقلاب مشروطه می‌گذرد چرا ما هنوز در ایجاد جامعه مدنی مشکل داریم و چرا احزاب آزاد و انتخابات آزاد و دموکراسی به‌طور کامل نداریم. در جواب سئوالتان ذکر می‌کنم که انقلاب مشروطه طغیان طبقه تازه‌تاسیس تجار آزاد با کمک علما در ایجاد حکومتی قانونی بود. نه وعالان آن خواهران حقوق بشر و دموکراسی بودند و نه اینگونه کلمات مفاهیمی قابل فهم در آن زمان بود.

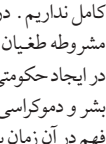
در کل مقاله‌ام درباره عوامل پیداری ایرانیان نام بردم. (تغییر الفبا، انتشار روزنامه، تاسیس مدرسه، شخصیت‌های روشنفکر موثر در انقلاب و اصلاحات، رخدادهایی مانند قراردادری، قیام تجار، کمک‌های علما در تجمعات مردمی.) منظورم این بود علت اینکه به دموکراسی نرسیده‌ایم این است که برایش تلاش نکرده‌ایم و اصلاً درکی از آن نداشته‌ایم، انقلاب مشروطه در اصل موج انقلاب صنعتی بود که در ایران باعث ایجاد و رشد طبقه بورژوازی شهری شد. آن‌هم نه به مفهوم غربی آن (یعنی شهروند آزاد) بلکه در معنی شرقی آن (شهرهای سستی). منظور از شهروند سستی شهروندی است که باید در طبقه حاکمه حل شده باشد وگرنه فقط زنده است و مفهومی از شهروندی ندارد. پس اصلاً نه انقلاب مشروطه ما انقلابی نداشتیم، زیرا اصلاً به سمت آن موضوع نرفتیم. حال اگر دموکراسی را درک کردند و نه عوامل نگهدارنده آن که طبقه شهروندان سستی بودند می‌توانستند کاری از پیش برند. زیرا در ایجاد جامعه آزاد نظام طبقاتی مطرح نیست بلکه نظام به صورت شبکه موجود است، با این اوصاف مسئله را حل کردن راحت‌تر است. اینکه ما مفهومی به‌نام جامعه مدنی نداشتیم، زیرا اصلاً به سمت آن موضوع نرفتیم. حال اگر می‌خواهیم جامعه عدالتخواه همراه با حقوق بشر و به تبع آن دموکراسی بشری داشته باشیم باید اول از همه مفهوم شهروند آزاد و نظام شبکه‌ای را مشخص کنیم تا بعد به تعبیر آن برسیم. دموکراسی و حقوق بشر محصول موج سوم اخلاقی است که در جامعه بشری شروع به رشد و نمو کرده، آن‌هم اثر نیاز جامعه که انسانی است وگرنه نفعاتی نامفهوم برای انسان موج اول و دوم است. علت اینکه دوران‌های بر آنها در موج صنعتی طی شد همان مفهوم نبودن کلمات دموکراسی و حقوق بشر در آن دوران بوده‌است. در انتهای پیشگفتار اولاً ورود به موج سوم که کمی جامعه ایران را متحول کرده تریک گفته و به دلشمنندانی که آن‌را در درک کرده‌اقرین می‌گویم. همدانگونه که بذرها با هشتاد و یک سال و با همه‌کاری آب و نور آفتاب هزاران محصول تولید می‌کنند، افکار (بذرها) در آزادی (خاک) به همراهی تکنولوژی صنعتی (باد) و تکنولوژی آموزشی (آفتاب) محصولاتی تولید می‌کنند که بعضی از آنها حقوق بشر، عدالت اجتماعی و دموکراسی و . . . است. باشد که این هدیه نسل ما به میراث‌خوارگان ما باشد و این کاش قدر این محصولات را دانسته و سپاس به‌جای آوریم.

فشار عین الدوله بی‌اعتنایی انگلیس

عین‌الدوله امروز بند دوم و سوم تصمیمات جلسه سری پانزده جمادی‌الاول خود را به اجرا می‌گذارد.
بعد از ارسال نامه ناصرالملک به طباطبایی، عین‌الدوله گمان می‌کرد طباطبایی دچار شک و دودلی شده است. لذا نظامنامه‌هایی را که توسط ممتازالدوله (ریاست مجلس اول) نوشته شده بود به روزنامه دولتی ایران جهت انتشار فرستاد و به مردم اطلاع داد نظامنامه عدلیه نگارش یافته است و به زودی در سراسر کشور عدلیه برپا خواهد شد. او فکر می‌کرد با این کار می‌تواند با آقای انانی امید که عدالتخانه به‌زودی افتتاح خواهد شد سید را قریب داده و به سکوت وادار نماید. عین‌الدوله همزمان اقدام سوم را نیز به اجرا گذاشت. او به تطمیع و دلجویی برخی روحانیون پرداخت و تلاش کرد آنها را با وسایل مختلف جذب خود نماید. مرحوم ناظم‌الاسلام در تاریخ پیداری ایرانیان وضعیت برخی روحانیون را که هرکدام به نحوی جذب دبار و عین‌الدوله شده بودند شرح داده است و سرانجام می‌گوید: «پس می‌ماند چند نفری معدود که عبارتند از آقای طباطبایی، بهبهانی، شیخ مرتضی و صدرالعلما و آقاشیخ محمدرضا قمی و معدودی دیگر. . . .» عین‌الدوله بعد از اینکه چند نفری چون میرزا آقا اصفهانی و میرزا حسن رشدیه و مجازالاسلام کرمانی را که خیلی مورد توجه مردم نبودند بازداشت و تبعید کرده بود مایل بود این معدود آقایان را نیز به همان روش از سر راه بردارد. اما می‌دانست که اگر به این آقایان کوچک‌ترین تعرضی نماید موجب شورش و بلوا خواهد شد. لذا تصمیم گرفت ابتدا نزدیکان و موثرین در مردم را بازداشت نماید. ابتدا دستور بازداشت سه نفر از سخنرانان را صادر کرد. سیدجمال واعظ ملک‌المکملین شازر دافر (قائم‌مقام) سفارت انگلیس از وزارت خارجه کشورش وی در پاسخ به بهبهانی را رد درخواست او عدم دخالت در امور داخلی ایران را گوشزد می‌کند. و با این مقصود که چون شما با حکومت ایران به مقابله برخاسته‌اید دولت انگلیس نمی‌تواند به شما کمک نماید.



صد نکته



صد نکته